

در حال مطالعه خیر خاموش نکردن چراغ های سالن یکی از دانشگاهها هنگام آکران یک فیلم بود که دوستی که با من تله پاتی دارد تماس گرفت و گفت: راستی شنیدی تو دانشگاه فلان شهر موقع آکران فیلم "دارکوب" اجازه نداده چراغ های سالن خاموش شود، شایعه کردند چون دختر و پسرها در سالن هستند چراغ ها را خاموش نکنند؟ وقتی هم دانشجویان اعتراض کردند؛ کنترل چی سالن به طنز گفته: می خواین فیلم تو تاریکی ببینید برید سینما نه تو سالن دانشگاه! گفتم اول اینکه اینها شایعات و مطالبه شبکه های مجازی و امثال توست، چون دختر و پسرها یا همان دانشجویان در ریف های جداگانه قرار داشتند و بین آنها فاصله به قدر کفایت بود، ضمن اینکه دانشگاه جوابیه داده توضیح داده چون سالن دارای شیب بوده در تاریکی امکان زمین خوردن حضار وجود داشته، چراغ های کناری سالن که در سینماها همیشه روشن است روشن بودند. با خشم و هیاهو انگار فیلم "خشم و هیاهو" را دیده باشد گفت: اصلا چه معنی داره این همه جوون تو یک سالن تاریک بشینند؟ فیلمی مثل دارکوب با آن همه فضاهای تاریک و سیاه از جامعه ببینند، چرا حاشیه درست می کنند؟ خوب شد شفاف سازی کردی پس مشکل سر شیب سالن و تاریکی بوده. من به دانشجویانی که از روشن بودن چراغ سالن دلخور بودند عرض می کنم: گمان میر که چراغ روشن است به تو تردیدی هست - شیب تند سالن و تاریکی تنها علت است! اما قبلا فقط با شیب قیمت ها مشکل داشتیم حالا با شیب سالن فلان دانشگاه، راستی تو فیلم "دارکوب" را دیدی برخی منتقدین می گویند فیلم از فقر فرهنگی می گویند! قلمبراندیدم، اما احساس می کنم مثل دارکوب هستم که برای ساخت لانه یا پیدا کردن غذا به تکرار باید به تنه درخت زندگی نوک بزمن تا نیازهایم برآورده شود. خندید و گفت داداش بیا نوک ات شکنه. گفتم باشه چشم. اما در مطلبی در مورد دارکوب ها نوشته بود: آوای دارکوب همچون خندهای دیوانهوار است و صدای نوک زدنش به درختان گله اقتدر بلند است که گویی کسی دارد با چکش بر درخت می کوبد. دقیقا احساس می کنم آوای من هم آوای مجنون وارگی و خنده ای دیوانهوار است صدای چکش زدن مرا بر درخت زندگی می شنوی؟

آهی از ته دل کشید و گفت: داداش شیب ذهنی و تخیل تو از شیب سالن اون دانشگاه انگار تندتره.

امام علی (ع): سبب فساد دین، هوای نفس است.



یادداشت های سخنگو - قسمت هفتم

وعددهای آقای رئیس جمهور، آن خبرنگار و دکتر رانی ...!

محمد جوان: همین که آقای رئیس جمهور در جمع مردم شاهرود با صدای بلند و رسا گفت: به تمام وعده های انتخاباتی ام در سال ۹۶ عمل خواهیم کرد. خبرنگاری که روزگاری در این جا خبرنگار پارلمانی بود اما این روزها در یتنگه دنیا تبتل به دست بد شفاف سازی می چرخد و هر از گاهی موج تازه ای به راه می اندازد به تلگرام گویشیم پیام داد: اصغر خان! به رئیس جمهور روحانی بگو فلانی گفت: شما به همون وعده ای که ۹۲ دادی عمل کن، مابقی پیشکش!

من واقعا حیرت کردم. خیلی عجیب بود. گاهی اوقات پیرامونم مسائلی اتفاق می افتاد که تجزیه و تحلیل آن از عهده و توان من خارج بود. الان این آدم با این سرعت از کجا متوجه دیالوگ رئیس جمهور روحانی شد که سریع به من پیام داد. از نظر ساعت و محدوده جغرافیایی نیز فراتر از تصور بود. قاعدتا باید در این ساعت او غرق خواب ناز باشد، نه مستمع سخنان جناب آقای رئیس جمهور!

با سیر اتفاقات اینچینی کم کم به خود و حوادث پیرامونم به دیده شک و تردید نگاه می کردم. فکر می کنم با دجار مانجولیا شده بودم با این که ارواح و اجنه زمام امور را به دست گرفته بودند و خودم بی خبر بودم. هر چه بود این ماجرا و توهمات گاه و بی گاهم از آن قهوه های کنایه بولیوایی شروع شد. خدا باعث و بانیش را لعنت کند که مرا به این روز انداخت.

آفتاب نقد فرهنگی

'ایران در آینه غبار آلود هنر و سینمای ایران!'

جبار تین متقد

به مناسبت چهل سالگی سینمای مقاومت، جشنواره فیلم مقاومت، به نظرخواهی از سینماگران، منتقدان و مخاطبان، آثار و هنرمندان منتخب دفاع مقدس را معرفی کرد. به رغم این نوع اقدام های مرسوم تبلیغی و رسانه ای، واقعیت اینکه چهل فیلم مقاومتی که هیچ در این چهل سال، به این تعداد، فیلم شاخص و استاندارد با مولفه های ملی و ایرانی در کل سینمای ایران تولید نشده است. اوضاع تاتار و تلویزیون و کتاب نیز همین گونه است و مجموع تولیدات شایسته هنری ایرانی در تمام حوزه های یاد شده به عدد بیست هم نمی رسد. ایران و ایرانیان در این چهل سال، فراز و فرودها و تلخ و شیرین ها به خود دیده و از گذر گاه های مختلف عبور کرده اند. به ظاهر مستندترین اسناد گذار تاریخی کشور را در این مدت، باید در صحنه ها و صفحه های رسانه ها، فرهنگ و هنر، صدا و سیما و سینما که محصول و آینه ایران امروز هستند، به تماشا و قضاوت نشست. اما آیا به راستی تشکل های فرهنگی کشور در این زمینه، به وظایف و رسالت خود عمل کرده اند و می شود تغییر و تحولات اجتماعی کشور را در آن ها به مطالعه و تماشا نشست. واقعیت ها نمایشگر این مهم نیستند. گرچه به دلیل اهمال و سهل انگاری، خود سانسوری و سانسور، رویدادهای بسیار، هنوز نگارش نشده و به تصویر در نیامده اند و شاید هم تاسل هاجز و اسرار مگو بمانند، با این همه، جلوه هایی ناقص و نارسا از مناسبات و حوادث اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که از میان جنگ و جدال های شخصی، گروهی و جناحی، به بیرون پرتاب شده اند تا حریف را مورد همه قرار

آفتاب دیالوگ

میتوم به رازی رو بهت بگم؟ - بله، بگو. هفته پیش رفتم به فروشگاه و یه تفنگ خریدم. قصد داشتم اگه تومور مغزی داشتم خودمو بکشم. تنها چیزی که منصرف کرد این بود که پدر و مادرم با این کار نابود میشدن و مجبور بودم اول اونارو بکشم و بعدش عمه و عمو و بعدش قتل عام به راه می افتاد...

هاتان و خواهران او - وودی آلن



انتصاب اقوام به جای بازنشستگان

نسل آینده با ارث ما درگیر خواهند بود!

ادامه از صفحه اول:

هر سال با وضعیت وارونگی هوا مواجه هستیم، وقتی که هوای گرم به سمت بالا صعود می کند و می خواهد از فضای شهری افزایش یابد می توانیم امیدوار باشیم که تهران خارج شود، یک جبهه هوای سرد روی آن قرار می گیرد و باعث می شود این هوای آلوده از فضای شهر خارج نشود. البته به طور قطع در سال جاری با اقداماتی که از پیش صورت گرفته شد این وارونگی نسبت به سال گذشته کمتر خواهد بود اما تاثیر این حرکت مثبت را خواهیم دید اما این که تا چه زمانی آلودگی هوا ادامه خواهد داشت بستگی به رفتار ما دارد. به نظر من آلودگی

آفتاب یادداشت

دفاع لازمه حیات

فتح اله دمقان دانش آموخته جغرافیای سیاسی

همه موجودات به حکم غریزه، فطرت و عقل به صورت ارادی و غیر ارادی در مقابل مهاجمین و برای تامین امنیت از خود دفاع می نمایند. به هنگام احساس خطر یک موشک و دیگر ابزار نظامی نیاز مبرم و ضروری است. نگاه به دفاع و امنیت با توجه به شرایط زمانی و مکانی، متفاوت بوده است. در دنیای قدیم برای تامین امنیت به بعد نظامی توجه می شده ولی در دنیای جدید، اقتصاد حرف اول را در تامین امنیت می زند. ولی به این معنی نیست که بعد نظامی نادیده گرفته شود. موضوع بسیار مهم و اساسی دیگر این است که از اهمیت و جایگاه سایر عوامل تامین امنیت همچون امنیت اقتصادی، اجتماعی و ... نیز نباید غافل شد. قزوین غفلت از آن ها زمینه بحران های اجتماعی را فراهم نموده و هزینه های غیر قابل جبران بزرگ می گویند: «هیچ تمدنی از بین نمی رود مگر اینکه زمینه داخلی داشته باشد.» مرور تاریخ جهان حکایت از آن دارد، کشور هایی که از این امور غفلت نموده اند، هزینه های سنگینی را پرداخته اند. به عنوان مثال شوروی سابق در دام رقبای غربی افتاده و با ورود به رقابت های نظامی همچون جنگ ستارگان و هزینه های سرسام آور نظامی، از مسائل اقتصادی و اجتماعی غافل شده و به آن سرنوشت گرفتار شد. ایران به مثابه عروس زیبای زمان گوزپشت نتردام با توجه به جایگاهی که در منطقه و جهان دارد و تاثیر این کشور در بازی شطرنج منطقه ای و جهانی شایسته است نگاهی جامع به امنیت داشته باشد. تامین و تقویت امنیت اقتصادی، نظامی، اجتماعی و ... را در جهت تقویت بنیه دفاعی و توسعه و پیشرفت کشور به صورت همه جانبه و جامع و با مدیریت هوشمندانه برخاسته از عقلائییت، تدبیر و آینده نگری با توجه به شرایط زمانی و مکانی و به دور از هیاهو و جنجال پیگیری امنیت خاور میانه داشت. در حال حاضر نیز



آفتاب فلش بک سیاسی

روزنامه آفتاب یزه در نظر دارد هر روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاسیون برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را با مرحوم **اکبر هاشمی رفسنجانی** از مسئولان با سابقه نظام ادامه می دهیم. او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس هیئت موسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی بود. هاشمی همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی بین سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به عنوان یکی از پرنفوذترین شخصیت های سیاسی نظام شناخته می شود.

مذاکره با رئیس جمهور و نخست وزیر

یکشنبه ۱۲ دی سال ۱۳۶۱:
 تا ساعت ۹ در منزل بودم، دختر آقای وافی که قرار بود عقد ازدواجش را امام بخواند با اخوی زاده آقای دعائی به منزل مسا آمد، به انتظار فرصت و نوبت، فاطمی برای پذیرایی او ماند. بچه ها با سعید برای مراسم افتتاح تله کابین توجال به کوه های البرز رفتند. من هم به منزل امام برای شرکت در مراسم ملاقات ائمه جمعه و جماعات و شخصیت ها در ولادت پیغمبر (ص) و امام صادق (ع) رفتم. در حسینیه جمران امام جمعه کنیا و رئیس جمهور و امام صحبت کردند. نزدیک ظهر به خانه آمدم. آقای موسوی اردبیلی گفت که ستاد پیگیری فرمان هشت ماده ای امام نظرش این است که به خاطر مسائل اخیر رفسنجان، رئیس دادگاه باید معزول شود. ناهار اشیش محمد هاشمیان به خانه ما آمد و دو سه نفر از نوق که یکی مجروح جنگی بود. عصر در جلسه افتتاحیه کنگره ائمه جمعه و جماعات شرکت کردم و سخنرانی مفصلی در دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران کردم. قبلا قرار بود درباره نماز جمعه صحبت کنم، چون این بحث تحلیلی لازم تر بود از من خواستند که به عهده بگیرم. حضار دور من جمع شدند و عکس گرفتند. آقای رئیس جمهور در هتل شام می دهند. من چون رئیس داشتم، نمایند اول شب به خانه برگشتم. آقای حسین هاشمی نسبت که فرزندش در رفسنجان بازداشت است، آمد و از اشیش محمد هاشمیان شکایت داشت که ملاحظه قوم و خویشی را در پیگیری ندارد. به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. طرح موجر و مستاجر در دستور بود. در نفس برای دویست و سیصد نفر از جانبازان انقلاب خراسان که به مجلس آمده بودند صحبت کردم و آنها را حجت برای مردم در صبر و مقاومت و مایه تدلوم روحیه انقلابی خواندم و از دولت خواستم که وسایل تربیت و تحصیل جذب به کار مناسب آنها را فراهم کند. ظهر چند ملاقات داشتم. عصر با آقای طالب ابراهیمی وزیر خارجه الجزایر ملاقات داشتم. اطلاع داد که الفتح تصمیم گرفته از رده سیاسی مشکل را حل کند و حاضر نیست در جبهه پایداری فعال باشد و مطالب صریح دیگری گفت و من از ضعف موضع اعتراب و امتیاز دادن آنها به آمریکا گله کردم. او علتها را توضیح داد. مذاکرات ثبت شده تاریخی است. او اوش طباطبائی و یاسر به مجلس آمدند. شام را پاسدارها کیاب برایشان خریدند و هماتجا خوبیدند. تلفنی با آقای موسوی اردبیلی و آقای رئیس جمهور و آقای نخست وزیر درباره مسائل جاری و ستاد پیگیری فرمان امام متذکره کردیم. ... ادامه دارد

آفتاب نکته سنج

تازه نفس ها

محمد راسخ

یکی از مباحثی که این روزها بازار داغی دارد بحث "بازنشستگی" و کنار گذاشتن باتجربه ها است. با این حمایت گسترده ای که توسط مسئولان مختلف صورت می گیرد و با توجه به اهدافی که برای این کار بیان می شود آن را بسیار جالب و موجه می نماید. اما دعا می کنیم که این روند بدون عجله، سنجیده و حساب شده طی شود. "منافع جناحی" بر "مصلح و منافع ملی" غلبه نکند و "بایسته ها" این راه را به بیراهه نکشاند. چون نیروهای جوان دودسته اند، دسته اول که البته در اکثریتند جوانانی "متواضع، متعهد و شایسته" هستند. اما نمی توان انکار کرد که دسته دومی هم هستند که لبریز از "ادعا، خودبینی و تکبر" هستند. غیر از خودشان هیچ کس را نه می بینند و نه قبول دارند. اهل احترام گرفتن و حرمت گذاشتن به دیگران حتی بزرگ ترها و پیشکسوت ها هم نیستند. "تجربه" را به تمسخر می گیرند. تمام باتجربه ها را هم "تاریخ گذشته" می دانند. خدا نکند که جایگزینی ها از میان دسته دوم صورت پذیرند. چون تاوان هایی باید داد و خسارت های سنگینی به بار خواهند آورد که جبران آنها غیرممکن است. اما اگر انشاءالله انتصابها و انتخابها از میان دسته اول (شایسته ها) صورت بگیرد بسیار جای امیدواری و خوشحالی است. انشاءالله که تمام جایگزین ها از طیف "شایسته ها" باشند و نه از طیف "بایسته ها"!